



برای هدفمندی یارانه‌ها در گام‌های بعدی از دست بدهد و بعد از آن هم سراغ اصلاح این طرح نرفت.

● از زمانی که دولت آقای روحانی در سال ۹۲ مستقر شد، نقدهای جدی به هدفمندی وارد کرد. مثلاً یادم هست وزیر اقتصاد دولت یازدهم، آقای طیب‌نیا یک بار اعلام کرد، شب پرداخت یارانه نقدی، شب عزای دولت است. واقعاً پول پرداخت نقدی به سختی جمع‌آوری می‌شد؟

می‌بینم که بعد از گذشت حدود ۸-۹ سال هنوز در نقد این موضوع تراز نبودن منابع و مصارف یارانه نقدی را مطرح می‌کنند. اخیراً دیدم یکی از وزرای قبلی که از دولت کنار رفته، وقتی می‌خواست هدفمندی یارانه‌ها را نقد کند به ناترازی درآمد اشاره داشت و اینکه پول‌هایی که به مردم پرداخت می‌شد، درآمد لازم را نداشت. او این طرح را با طرح تحول سلامت مقایسه کرده و گفته که این دو طرح از این لحاظ با هم مشابه هستند که هر دو هزینه می‌کنند ولی درآمد ندارند! در حالی که در قانون بودجه سال ۱۳۹۸ می‌بینید که درآمد هدفمندی یارانه‌ها را خود دولت در مجلس و در قانون بودجه آورده است. درآمد هدفمندی یارانه‌ها حدود ۱۴۰ هزار میلیارد تومان است و پولی که به مردم داده می‌شود، حدود ۴۱ هزار میلیارد تومان است. یعنی حدود ۹۹ هزار میلیارد تومان طبق آن چیزی که مجلس دیده است، از درآمد یارانه‌ها عموماً نصیب دولت می‌شود و با استفاده از آن بخشی از هزینه‌های جاری و عمرانی و هزینه‌های دستگاه‌های دولت را پرداخت می‌کند.

● اما چرا اوایل این مشکل به وجود آمد؟

معمولاً نظام بودجه بندی در هدفمندی یارانه‌ها به این شکل است که به‌عنوان مثال وزارت نفت یا وزارت بهداشت، وزارت صمت و دستگاه‌های مختلف قصد دارند بخشی از طرح‌های شان را از طریق درآمد یارانه‌ها تأمین کنند. فردی در دولت باید از درآمدهای هدفمندی یارانه‌ها در مجلس دفاع کند و اجازه ندهد که سایر دستگاه‌ها این منابع را به هزینه‌های دستگاه‌شان اختصاص دهند. و گرنه در مجلس و در کمیسیون‌های تخصصی دستگاه‌ها برای هر طرحی که پول کم می‌آوردند، از یارانه‌ها اختصاص می‌دادند. به‌عنوان مثال وزارت نفت چون برای خط لوله نفتی یا خط لوله گاز پول ندارد، از جیب یارانه‌ها بر می‌دارد. در حالی که این موارد را باید در بودجه‌اش ببیند. مثلاً برای توسعه خطوط نفت عدد می‌دهند، برای انتقال فروش گاز هدفمندی یارانه‌ها سهم می‌گیرند که هیچ کدام از این موارد در قانون نیست و اصلاً نیامده بود. بنابراین چرا وزیر اقتصاد برای پرداخت یارانه‌ها عزا می‌گیرد؟ به دلیل اینکه پول یارانه‌ها قبل از اینکه به خزانه بیاید، همه دستگاه‌ها اعداد اصلی‌اش را برداشته‌اند و برای دستگاه خود هزینه کرده‌اند! یعنی بخش عمده ۱۴۰ هزار میلیارد تومان بین خود دولت تقسیم شده است و در بودجه دستگاه‌های دولتی دیده شده است. سهم اندکی هم برای پرداخت یارانه نقدی به خزانه دولت اختصاص داده شده است. تغییر من این است که هر کس یک شلنگی به این منبع آب زده و برای خودش از این منبع منتقل می‌کند!

● با این اوصافی که شما توضیح دادید اگر هدفمندی اجرا نمی‌شد، به این معنا است که امروز علاوه بر کسری بودجه معمولی، بودجه کشور تقریباً با ۱۰۰ هزار میلیارد تومان دیگر کسری مواجه بود. درست است؟

اگر هدفمندی اجرا نمی‌شد، آن وقت به‌عنوان مثال دیگر شرکت نفت که ۱۰ هزار میلیارد تومان از هدفمندی یارانه‌ها بر می‌دارد، باید این پول را از بودجه دولت بر می‌داشت و منابع مورد نیاز برای مواردی مثل هزینه حمل‌ونقل و فروش فرآورده نفتی، پرداخت تعداد سیکل ترکیبی، بیمه زنان بی‌سرپرست، سلامت، حمایت از کسب و کار، حمایت از آب، برق، انتقال و فروش گاز نیز باید از بودجه جاری کشور پرداخت می‌شد. این یعنی ۱۰۰ هزار میلیارد تومان باید در بودجه دیده می‌شد، اما اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها باعث شد این ۱۰۰ هزار میلیارد تومان به جای اینکه در بودجه دیده شود، امروزه از محل درآمد هدفمندی یارانه‌ها دیده شود و یک درآمد جدید برای دولت ایجاد کرده است.

● امروز موضوع درآمد پایه غیرمشروط خیلی استفاده می‌شود. می‌توانید بفرمایید که این طرح دقیقاً چیست و چه می‌گوید؟

این طرح ادامه تفکر pain است که توضیح دادم، اما عنوان این واژه اولین بار توسط اقتصاددانی به نام جورج کول (George Cole) در سال ۱۹۳۵ میلادی مطرح شد. مفهوم آن هم این است

که بهتر است برای جلوگیری از فقر و نابرابری و گسترش پوشش برنامه‌های حمایتی به جای نظام تأمین اجتماعی کنونی مبلغی به صورت نقدی و بدون شرط به تمام افراد یا خانوارها پرداخت شود. این مفهوم طرفداران زیادی بین اقتصاددانان پیدا کرده است. بخصوص پیشرفت فناوری‌های دانش‌محور باعث شده است فرصت‌های شغلی برای افراد با دانش پایین کاهش یابد. از این رو عده‌ای معتقدند در آینده تمامی شغل‌های کم‌دانش مانند رانندگی حذف خواهد شد ولی دولت‌ها باید بتوانند حداقل نیاز خانوارها را تأمین کنند.

● مگر توسعه تأمین اجتماعی نمی‌تواند این وظیفه را انجام دهد؟

خیر، این گروه از اقتصاددانان معتقدند تأمین اجتماعی بسیار دیوان‌سالار شده است و قدرت پوشش تمامی افراد جامعه را ندارد، لذا بهتر است بدون محدودیت مبلغی نقدی به همه خانوارها پرداخت شود، البته اقتصاددانان در خصوص روش اجرای آن، دیدگاه‌های متفاوتی دارند. برای مثال میلتون فریدمن معتقد بود می‌توان این مبلغ را در قالب اعتبار مالیاتی پرداخت کرد، یعنی دولت به جای تأمین اجتماعی می‌تواند به صورت منظم و فراگیر به تمام سرپرستان خانوار اعتبار مالیاتی بدهد. به عبارت بهتر سازمان مالیاتی هر سال میزان پرداختی مالیات بر درآمد سرپرست خانوار (مالیات بر حقوق دستمزد و سایر درآمدها) را محاسبه کرده و معادل اعتبار مالیاتی وی از میزان واردات مالیات وی کسر کند. اما اتکینسون (Atkinson) که در حوزه اقتصاد رفاه مطالعات زیادی دارد معتقد است می‌توان تأمین اجتماعی را حفظ کرد، اما به صورت مکمل پرداخت نقدی نیز داشت، اما این پرداخت نقدی باید به جای سرپرست خانوار به افراد و همین‌طور به صورت مشروط باشد. یا اقتصاددان دیگری به نام پاريجز (parijs van) همانند اتکینسون به پرداخت نقدی، پرداخت به افراد، به صورت مکمل با تأمین اجتماعی اما به صورت غیرمشروط معتقد است. بنابراین در حوزه اجرا تفاوت‌هایی وجود دارد ولی پرداخت نقدی غیرمشروط طرفداران زیادی در حوزه نظریه دارد.

● این طرح‌ها در کشوری نیز اجرا شده‌اند، یعنی تجربه‌هایی در این زمینه‌ها وجود دارد؟

تجربه‌های زیادی داریم. مطالعه‌ای در اروپا انجام شده و نظر مردم اروپا در این تحقیق از مردم ۲۸ کشور اروپایی در خصوص پرداخت درآمدهای غیرمشروط از مردم سؤال شده است، یعنی سؤال شده که آیا حاضرند به جای نظام تأمین اجتماعی کنونی مبلغی به صورت نقدی و غیرمشروط به آنها پرداخت شود. تنها ۲۴ درصد مردم به این طرح رأی منفی دادند و ۶۴ درصد پاسخ مثبت داده‌اند. ۱۲ درصد نیز به این پرسش پاسخ ندادند. در قالب طرح‌های مطالعاتی شروع به بررسی نتایج این طرح کردند. کشور فنلاند اجرای آزمایشی این طرح را آغاز کرده است و به افراد یک گروه از جامعه ماهیانه ۵۶۰ یورو پرداخت می‌شود. هدف این مطالعه نیز بررسی تأثیر پرداخت

یارانه‌ها بر انگیزه‌های کار و سطح رفاه است. نتایج نهایی اجرا قرار بود امسال منتشر شود اما نتایج فازهای اولیه نشان می‌دهد ۷۰ درصد افراد پرداخت یارانه نقدی را به روش کنونی تأمین اجتماعی ترجیح می‌دهند. اگرچه زمانی که به آنها گفته شد برای یارانه نقدی از آنها مالیات بر درآمد اخذ خواهد شد، طرفداران طرح تقریباً نصف شد، یعنی به حدود ۴۰ درصد رسید. بنابراین اینکه چند درصد مردم حامی طرح باشند بستگی به میزان پرداختی و الگوی اجرای آن دارد. در حال حاضر مشابه این طرح توسط پرفسور گای (Guy) در ۹ روستای هند در حال انجام است. از طرف دیگر طرحی توسط حزب کارگر انگلستان و طرحی دیگر در برزیل در حال انجام است که در همه این طرح‌ها در حال بررسی جایگزین کردن یارانه نقدی با سایر روش‌های حمایتی هستند.

● تفاوت و شباهت‌های این طرح‌ها با طرح هدفمندسازی یارانه‌ها در ایران چیست؟

مهم‌ترین شباهت آن پرداخت نقدی غیرمشروط به همه سرپرستان خانوار است که از مهم‌ترین محورهای این طرح است، اما بزرگ‌ترین افتراق آن در نحوه تأمین مالی طرح است؛ طرح هدفمندسازی یارانه‌ها به دنبال نقدی کردن رانت حاصل از نفت است، یعنی به عبارتی هدفمندسازی یارانه بازتوزیع رانت نفت در ایران است، اما تأمین مالی UBI یا درآمد پایه غیرمشروط از طریق مالیات بر درآمد مردم است. امروزه بخش گسترده‌ای از اقتصاددانان، پرداخت نقدی را به‌عنوان روش بازتوزیع مناسب به منظور کاهش فقر و نابرابری پذیرفته‌اند و به همین دلیل احزاب سیاسی در حال بررسی آزمایشی نتایج آن بر انگیزه افراد بیکار و سطح رفاه مردم و حتی نحوه تأمین مالی آن هستند. نتایج مطالعات اولیه هم نشان می‌دهد که این طرح باعث کاهش تمایل افراد به کار نمی‌شود اما به دلیل اینکه یک درآمد پایه ثابت برای آنها تعریف می‌شود به افزایش رفاه آنها کمک می‌کند. حتی اگر از طریق مالیات بر درآمد تأمین مالی شود در خصوص تأثیر این طرح کار چه تأثیری خواهد داشت؟ فقط ۴ درصد در پاسخ به این سؤال گفته‌اند کارشان را ترک می‌کنند، ۳۴ درصد گفته‌اند هیچ تأثیری ندارد، ۱۵ درصد گفته‌اند وقت بیشتری به خانواده اختصاص خواهند داد، ۱۰ درصد گفته‌اند به دنبال مهارت‌های دیگری خواهند رفت، ۷ درصد گفته‌اند کارهای مورد علاقه خویش را انجام خواهند داد و ۷ درصد هم گفته‌اند به دنبال کار دیگری خواهند گشت.

● اجازه بدهید به آینده برویم، یکی از موضوعاتی که در حال حاضر نیز بسیار داغ است، موضوع ادامه طرح هدفمندسازی یارانه‌ها در کشور است. البته عده‌ای اصرار دارند از عبارت دیگری به جای هدفمندسازی استفاده کنند، آیا طرح هدفمندی یارانه‌ها برگرفته از یک طرح خارجی است و مشابه آن در سایر کشورها وجود دارد، اگر وجود دارد نتایج این طرح‌ها چه بوده است؟

خب، من هم موافقم که بحث را به آینده ببریم، به اندازه کافی در خصوص گذشته صحبت کردیم. طرح هدفمندسازی یارانه‌ها اگرچه



همه از منابع یارانه‌ها برداشت می‌کنند

فردی در دولت باید از درآمدهای هدفمندی یارانه‌ها در مجلس دفاع کند و اجازه ندهد که سایر دستگاه‌ها این منابع را به هزینه‌های دستگاه‌شان اختصاص دهند. وگرنه در مجلس و در کمیسیون‌های تخصصی دستگاه‌ها برای هر طرحی که پول کم می‌آوردند، از یارانه‌ها اختصاص می‌دادند. به‌عنوان مثال وزارت نفت چون برای خط لوله نفتی یا خط لوله گاز پول ندارد، از جیب یارانه‌ها بر می‌دارد. در حالی که این موارد را باید در بودجه‌اش ببیند. مثلاً برای توسعه خطوط نفت عدد می‌دهند، برای انتقال فروش گاز و برای خود شرکت نفت از پول هدفمندی یارانه‌ها سهم می‌گیرند که هیچ کدام از این موارد در قانون نیست و اصلاً نیامده بود. بنابراین چرا وزیر اقتصاد برای پرداخت یارانه‌ها عزا می‌گیرد؟ به دلیل اینکه پول یارانه‌ها قبل از اینکه به خزانه بیاید، همه دستگاه‌ها اعداد اصلی‌اش را برداشته‌اند و برای دستگاه خود هزینه کرده‌اند! یعنی بخش عمده ۱۴۰ هزار میلیارد تومان بین خود دولت تقسیم شده است و در بودجه دستگاه‌های دولتی دیده شده است. سهم اندکی هم برای پرداخت یارانه نقدی به خزانه دولت اختصاص داده شده است. تغییر من این است که هر کس یک شلنگی به این منبع آب زده و برای خودش از این منبع منتقل می‌کند!



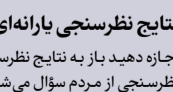
یک طرح بومی و کاملاً ایرانی است اما مشابه این تفکر در جهان در ادوار مختلف تاریخی مطرح و با اهداف و روش‌های متفاوت صورت پذیرفته است. در پایان قرن هجدهم فرانسوی‌ها از جمله افرادی مانند کندورست و توماس پین، ایده‌های جدیدی را مطرح کردند. آنها معتقد بودند که زمین متعلق به تمامی افراد جامعه است، لذا باید از محل اجاره بر زمین صدوقی ایجاد کرد و به کلیه افراد بالغ جامعه و به تناسب مراحل زندگی مالی‌ها را نقداً پرداخت کرد، البته پرداخت این مبالغ نه به صورت اعانه، بلکه حقوق آنها خواهد بود. اما در قرن بیستم شاهد طرح‌هایی بودیم که یارانه را به صورت نقدی یا غیرنقدی و بابت کالاهای مشخص یا در یک منطقه مشخص پرداخت می‌کردند. یکی از معروف‌ترین طرح‌هایی که بسیار شبیه طرح هدفمندسازی یارانه‌ها است، طرح «درآمد پایه غیرمشروط» است که امروز طرفداران زیادی در بین احزاب سیاسی اروپا دارد. البته تفاوت‌هایی با طرح هدفمندی یارانه‌ها در ایران دارد.

● سبب الان ما در ایران تجربه اجرایی این طرح را داریم، از طرفی به دلیل تورم‌های چند سال اخیر در حال حاضر رقم پرداختی آن یعنی ۴۵ هزار تومان قدرت خرید اندکی دارد.

ضمن اینکه همچنان قیمت انرژی در کشور نسبت به سایر کشورها بسیار اندک است. آیا توصیه می‌کنید که دولت دوباره قیمت انرژی را افزایش دهد و منابع حاصله را به صورت یارانه نقدی پرداخت کند؟

به تنهایی خیر چنین توصیه‌ای نمی‌کنم. به نظر من حالا که این تجربه اجرایی را داریم خوب است یک بار با یک نگاه آسیب‌شناسانه به بررسی آن بپردازیم. پس از ۹ سال از اجرای طرح اهداف بلندمدت آن محقق نشد به طوری که در حال حاضر دولت تحت فشار کمبود منابع است و بدیهی است که در این طرح منابع بسیار خوبی نهفته است. اگر این طرح را صرفاً برای هدف تأمین مالی دولت اجرا نمایم، موفق نخواهیم بود. البته باید اذعان کرد بهترین سال‌های اجرای کام دوم طرح سال‌های ۹۲ و ۹۳ بود که متأسفانه از دست رفت.

● آسیب‌شناسی چنابالی از طرح چیست؟ اگر فرضاً دولت آینده بخواهد این طرح را اجرا کند باید به چه نکاتی توجه داشته باشد؟



نتایج نظرسنجی یارانه‌ها در اروپا

اجازه دهید باز به نتایج نظرسنجی انجام شده در اروپا اشاره کنم. در این نظرسنجی از مردم سؤال می‌شود که «اگر این طرح اجرا شود در خصوص انتخاب شما برای کار چه تأثیری خواهد داشت؟» فقط ۴ درصد در پاسخ به این سؤال گفته‌اند کارشان را ترک می‌کنند. ۳۴ درصد گفته‌اند هیچ تأثیری ندارد، ۱۵ درصد گفته‌اند وقت بیشتری به خانواده اختصاص خواهند داد، ۱۰ درصد گفته‌اند به دنبال مهارت‌های دیگری خواهند رفت، ۷ درصد گفته‌اند کارهای مورد علاقه خویش را انجام خواهند داد و ۷ درصد هم گفته‌اند به دنبال کار دیگری خواهند گشت. اجازه بدهید به آینده برویم.



برش

معتقدم طرح هدفمندسازی یارانه‌ها را باید در قالب یک طرح بزرگ‌تر با هدف رشد پایدار و کاهش فقر و نابرابری، مجدداً طراحی و اجرا نمایم. برای این کار به یک بسته سیاستی منسجم و سازگار و یک تعهد اجرایی قوی نیاز داریم. خب در دولت دهم نیز این طرح به صورت نقطه‌ای دیده نشده بود بلکه یکی از طرح‌های هفت‌گانه طرح تحول اقتصادی بود. احمدی‌نژاد هم از تمام ظرفیت دولت برای اجرای مناسب آن استفاده کرد.

● سؤال این است چرا با این حال اهداف بلندمدت آن محقق نشد؟

البته اهداف کوتاه‌مدت و میانی طرح یعنی کاهش مصرف انرژی و کاهش فقر و نابرابری محقق شد. اگر به آمارها مراجعه کنیم و از تحلیل‌های سیاسی و غیرکارشناسی که متأسفانه از بس تکرار شده به باور تبدیل شده است، عبور کنیم و نگاه واقع‌بینانه‌ای داشته باشیم، می‌بینیم بخشی از این اهداف در سال ۱۳۹۰ محقق شد اما همان‌طور که قبلاً هم توضیح دادم طرح باید در سه گام اجرا می‌شد و ما در گام اول متوقف شدیم. در سال ۱۳۹۰ ما نه تنها رشد مناسبی داشتیم بلکه ضریب جینی و نابرابری شدیداً کاهش یافت و مردم از پایه درآمدی مطمئنی برخوردار شدند که حتی پس از سال‌ها کاهش ارزش پول و تورم همچنان در تأمین مالی افراد محروم جامعه سهم دارد. از طرف دیگر اگر به سهم درآمدی آن در تأمین مالی دولت در قالب بودجه سال‌های اخیر توجه کنید، درآمد حال حاضر این طرح بالغ بر ۱۴۰ هزار میلیارد تومان است که خود این رقم به تنهایی یک بودجه مکمل برای دولت به شمار می‌رود. به این فکر کنید که اگر درآمد این طرح نبود دولت چگونه می‌توانست این درآمد عظیم را در بودجه محقق کند. برای مثال تمام مالیاتی که دولت در سال گذشته اخذ کرده کمتر از این رقم است.

یعنی دولت بدون درآمدهای این طرح یا باید درآمدهای مالیاتی خود را حدوداً سه برابر می‌کرد یا اینکه مخارج خود را به شدت کاهش می‌داد که هر دو این اقدامات غیرممکن به نظر می‌رسد. از طرف دیگر لایحه اصلاح نظام مالیاتی پیشنهادی دولت دهم نیز در مجلس معلق ماند و فرصتی برای اجرای آن به وجود نیامد تا اینکه یازدهم تصویب شد.